



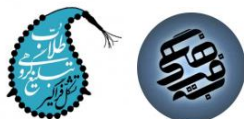
مقاله با موضوع

علوم و فضائل امام صادق علیه السلام

علوم و فضایل امام صادق علیه السلام

فقه عبارت است از فهم و شناخت احکام فرعی از طهارت تا دیات و این احکام از ادله اربعه استنباط می شود که مفصل ترین و مشروح ترین آنها سنت می باشد که نزد شیعه عبارت است از حدیث پیامبر و اهل بیت. پس کتابهای شیعه در این زمینه برگرفته از همان ادله چهارگانه است و بیشترین بخش حدیث را حدیث امام صادق (ع) تشکیل می دهد و هرگاه احادیث مروی از آن حضرت نبود، استنباط احکام بر دانشمندان دشوار بود. و نه تنها فقها و دانشمندان شیعه از بوستان دانش امام جعفر صادق (ع) بهره برده اند، بلکه بیشترین فقیهان اهل سنت که معاصر آن حضرت بوده اند، مانند ابوحنیفه، سفیان ها، ایوب و غیرهم ریزه خوار خوان پر نعمت دانش امام بوده اند و چنانکه ابن ابی الحدید می نویسد، فقه مذاهب اربعه اهل سنت به فقه الصادق (ع) بر می گردد. ۱

آلوسی در مختصر «تحفه اثنی عشریه» می نویسد: این ابوحنیفه که در میان اهل سنت مایه فخر و مباهات است با صراحت تمام می گوید: «لولا السَّنَتان لَهَلَکَ النِّعْمَان» و منظورش همان دو سالی است که به حضور امام آمده و از محضر آن حضرت دانش اندوخته است.



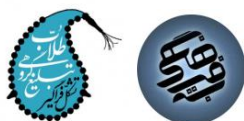
حق آن است که حضرت امام جعفر صادق (ع)، یگانه فقیه جهان اسلام شمرده شود و دلیل بر این مدعا همین کثرت راویان و فراوانی حدیث و روایت از آن حضرت است و هر کس کتب حدیثی را بررسی کند به فراوانی احادیث امام صادق و کثرت راویان و محدثان از آن بزرگوار، واقف خواهد شد البته فقهای زیادی هم عصر امام بوده اند که از هیچیک این اندازه (بلکه خیلی پائین تر از آن) حدیث روایت نشده و در بازار دانش و فرهنگ، هیچکدام این اندازه علم و فقاقت عرضه نکرده اند و هیچ مطلبی از آن حضرت سؤال نشده که در پاسخ مانده باشد.

اخلاق

علم الاخلاق، در ابتدا دانش مدون و مرتبی نبوده است؛ فقط در زمینه های اخلاقی به برخی آیات کریمه از قرآن حکیم و سخنان سرور پیامبران و وصی و خلیفه او و فرزندان بزرگوارشان (درود خدا به روان همه شان) استناد می شده است. نخستین تألیف در دانش اخلاق به دست علمای شیعه در اواخر قرن دوم هجری صورت گرفته و اسماعیل بن مهران فرزند ابونصر سکونی که از اصحاب و یاران امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) و از راویان موثق بشمار می رود، کتابی تحت عنوان «صفه المؤمن و الفاجر» به ریشه تحریر درآورده است و پس از او، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی که پدر و پسر هر دو از راویان مورد وثوق و از اصحاب امام رضا (ع) و از علمای قرن سوم هجری بوده اند، کتاب «المحاسن» را نوشته است این کتاب از بهترین کتابها است و نویسندگانش به سال ۲۷۴ و یا ۲۸۰ ق. در قم وفات یافته است.

از دیگر علما و دانشمندان این قرن که در زمینه اخلاق دست به نگارش کتاب زده اند، حسن بن علی بن شعبه است که کتاب «تحف العقول» را تألیف کرده و این کتاب هم از نفیس ترین کتب شیعه و مشتمل بر حکمتها و پندهائی است که از یکایک ائمه اهل بیت روایت گردیده است.

در قرون بعد تألیف و تصنیف درباره اخلاق دامنه پیدا کرد که بهترین آنها کتاب «اصول کافی» از ثقه او سالها در تألیف این کتاب زحمت کشیده و الاسلام کلینی است که به سال ۳۲۹ ق. در گذشته است.



گزیده‌ای از روایات و اخبار را در آن گردآورده است و هرگاه نظری گذرا به صفحات آن بیفکنیم و فصول و ابواب آن را بررسی کنیم، خواهیم دانست که اخلاق نیکو یعنی چه و دانش و علم امام صادق و اهل بیت علیهم السلام پیرامون اخلاق بر چه پایه بوده است

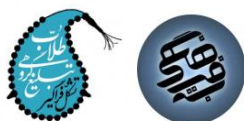
از ملاحظه مطالب اخلاقی که از امام صادق (ع) در این نوشته آورده‌ایم، معلوم می‌شود که منبع و سرچشمه اخلاق در مرحله نخست قرآن مجید است و بعد سخنان حکمت‌آمیز رسول اسلام - دارنده خلق عظیم - و سپس بیانات فرزندان گرامی آن حضرت - وارثان علم و دانش ایشان - بویژه جعفر بن محمد صادق (ع).

تفسیر

در میان روایاتی که به دست ما رسیده است، بخش اعظم آن به تفسیر قرآن مربوط می‌شود و حتی برخی مفسران اساس کارشان را بر احادیث قرا داده‌اند و اگر شما بخواهید روایات امام صادق (ع) را پیرامون تفسیر آیات بشناسید، باید به «تفسیر مجمع البیان» مراجعه کنید که بسیاری از احادیث جعفری در مورد تفسیر، در این کتاب آمده است. مؤلف این کتاب گاهی که می‌خواهد به نظر اهل بیت اشاره کند؛ آن را طی ذکر حدیثی خاطر نشان می‌سازد. بعلاوه بعضی از دانشمندان شیعی مصنفات متعددی در زمینه آیات الاحکام نگاشته و به شرح و تفسیر آنها پرداخته‌اند، که در این صدد از روایات و احادیث اهل بیت مایه گرفته‌اند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند من دانش قرآن را از اول تا آخر می‌دانم و تمام مطالب این کتاب گویا در میان مشت من است و در آن خبر آسمان، خبر زمین، خبر گذشته و خبر آینده وجود دارد فیه تبیان کل شیء. ۸.۷: که خدای عزوجل گوید

و در مورد دیگر، امام انگشتان دستش را گشود و بر سینه اش نهاد و فرمود: به خدا قسم، همه دانشهای قرآن در این سینه من است. ۹.



پس ناگزیر در هر عصر و زمانی باید کسی باشد که عالم به تفسیر قرآن باشد و شاهد بر این، حدیث ثقلین است. وانگهی قرآن رهبر ساکت و بی زبانی است و در آن آیات محکم و متشابه، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارد که بیشتر این مفاهیم برای مردم نامعلوم است. از سوی دیگر هر گروهی از گروههای اسلامی مدعی اند که عقاید خود را از قرآن گرفته اند و می پندارند تنها آنانند که به مفاهیم قرآن دست یافته اند و در این مقام شواهدی هم ذکر می کنند.

پس قرآن مصدر و اساس عقاید همه گروهها و فرقه های اسلامی است. پس چه مرجعی وجود دارد که این اختلافها را فیصله بخشد و شبهات این گروهها را برطرف سازد و پندارهای این فرقه ها را رفع نماید؟

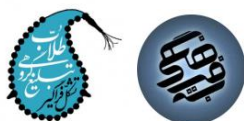
بنابر مضمون حدیث ثقلین، عترت پیامبر، دانایان به قرآنند، و عالم به قرآن در هر عصر و زمانی فقط از این خاندان است و بس. بنابراین در عصر امام جعفر صادق (ع) نیز اگر آن حضرت عالم به قرآن نبوده، پس چه کسی بوده است؟

بدون تردید، هیچکس مدعی آن نبوده که در میان اهل بیت به روزگار امام صادق (ع)، فردی دانایتر از او به تفسیر و دیگر علوم بوده باشد.

علم کلام

مقصود ما از علم کلام، آن دانشی است که از هستی و وحدانیت خدا و صفات او و دیگر موضوعات اعتقادی (و باصطلاح ایدئولوژیکی) مانند نبوت، امامت، معاد، عدل و غیره سخن می گوید؛ آن هم نه هر نوع سخنی، بلکه سخنی بر پایه عقل و منطق صحیح.

اولین کسی که در زمینه هستی و لوازم آن، به برهان توسل جسته و به ادله عقلی و حسی هر دو توجه کرده، امیرالمؤمنین علی (ع) بوده است.



اهل بیت علیهم السلام در بحثهای عقیدتی خود برای مردم اثبات کردند که خدائی را که نمی‌شناسند، پرستش نمی‌کنند و از پیامبری که آشنایش نیستند، پیروی نمی‌نمایند و از امام و رهبری که مقام و منزلتش را نمی‌شناسند، اطاعت نمی‌کنند. بنابراین (در مکتب اهل بیت) شناخت و معرفت پیش از هر دانش و بهتر از هر علم است. چنانکه امام صادق (ع) فرمود: با فضیلت‌ترین عبادت، شناخت خداست. ۱۰.

بحارالانوار» دارای بسیاری از «احتجاج» طبرسی، «اصول کافی»، «توحید»، «صدوق و مجلداتی از «احادیث و روایات از امام صادق علیه السلام در بحث کلام است.

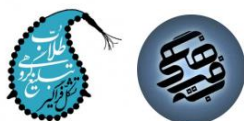
هستی‌شناسی و یگانه پرستی

فصولی از احادیث و سخنان امام صادق (ع)، پیرامون هستی‌شناسی و وحدانیت خدای تعالی است، که از آن جمله است «توحید مفضل»، و آن سلسله درس‌هایی است که امام آنها را بر مفضل بن عمر جعفری کوفی یکی از اصحاب و یاران عالم و عامل خویش القاء فرموده و دیگری رساله ای است به نام «هلیله» که آن نیز از همین مفضل روایت شده است، با این تفاوت که مفضل رساله نخست را مستقیماً و از دو لب مبارک امام شنیده اما رساله دوم را بطور غیر مستقیم و کتباً از امام روایت نموده است.

طب و پزشکی

خداوند متعال قرآن را فرو فرستاده و آن را بیان همه چیز قرار داده است. در این کتاب، دانش پزشکی طی دو سه جمله آمده است: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا». پس جای شگفتی نیست که دانایان به علوم قرآن یعنی ائمه اهل بیت، دانایان به طب و پزشکی هم باشند. بعلاوه آنان در بیان طبیعت اشیاء و فواید و مضار آنها و خواص مزاجها آنقدر مطلب گفته اند که نشانگر اطلاعات گسترده آنها نسبت به این دانش است.

یکی از دانشمندان گذشته کلمات امامان را در مورد طب گردآوری کرده و آن را «طب الائم» بحارالانوار» و شیخ حر عاملی در «نامیده بوده که این کتاب از بین رفته است؛ اما مجلسی در «وسائل الشیعه» گاه گاهی از این کتاب، حدیث روایت کرده‌اند.



در علم و آگاهی امام صادق (ع) به علم طب و پزشکی ، کافی است مطالبی را که او در رساله «توحید مفضل» در بیان طبیعت اشیاء و فواید دواها و فیزیولوژی و شناخت وظایف الاعضاء که موضوع علم تشریح است، فرموده ، در نظر بگیریم و نیز بحثی که امام با پزشک هندی داشته و مناظره و گفتگوئی . که با او انجام داده، نشانه وسعت اطلاع و آگاهی امام ششم نسبت به علم پزشکی است

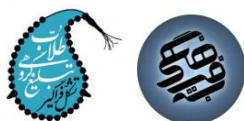
سخنان امام در امور بهداشتی و پزشکی در لابه لای کتب حدیثی پخش است و گاهی امام مطالبی را فرموده که تازه دانش پزشکی به آنها دست یافته است و اگر نویسنده ای بخواهد در این زمینه کتابی تألیف کند و در آن مطالبی را که امام طی آنها خواص و فواید اشیاء را مطرح کرده و درمان انواع دردها و بیماریها را ذکر فرموده است، گردآورد کاملاً کاری آسان و در عین حال ابتکاری خواهد بود

از جمله مطالبی که امام در مورد بهداشت و طبابت بیان کرده و دانش جدید پزشکی از برخی از آنها پرده برداشته ، مطالبی است که امام درباره درمان تب بوسیله شستشوی با آب بیان فرموده است . هنگامی که شخصی راجع به تب با آن حضرت صحبت می کند، امام در پاسخ می فرماید که ما خانواده با ریختن آب سرد بر بدنمان تب را معالجه می کنیم

علم شیمی

بسیاری از دانشمندان اعتراف کرده اند که امام صادق (ع) علم شیمی را می دانسته و جابر بن حیان صوفی طرطوسی نزد او تلمذ می کرده و این دانش را از وی فرا گرفته است و پانصد رساله در یکهزار برگ در همین مایه تألیف کرده که آنها در واقع متضمن و در بردارنده رساله های امام جعفر صادق (ع) می باشند. ۱۳

خاورشناسان قدیم و جدید درباره جابر سخن بسیار گفته اند و ابن ندیم در «الفهرست» ۱۴ بطور مفصل پیرامون شخصیت او داد سخن داده و کتب زیادی را از وی یاد کرده است که جابر در زمینه دانشهای مختلف بویژه شیمی ، پزشکی ، فلسفه و کلام دارای تألیفات بوده است و عادتاً یک انسان معمولی با عمری طبیعی گنجایش این همه کار، تألیف و تحقیق را ندارد جز نوابغی از بشر و یگانه هائی



از انسان هائی که هوشی سرشار و استعدادی فوق العاده دارند و زندگیشان در تألیف ، کتاب و تحقیق خلاصه می شود.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» او را از مؤلفان شیعه شمرده و از کتب او «ایضاح» در شیمی را نام برده است . ۱۵

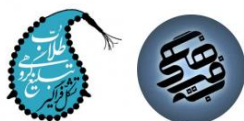
خلاصه اینکه مؤلفان و تراجم نگاران اسلامی، جابر را عالمی بلند مرتبه دانسته و او را در عداد مفاخر جهان اسلام بر شمرده اند.

جابر غیر از فلسفه و کلام، پیرامون علوم و فنون مختلف اعم از نظری و طبیعی که بحث و تحقیق درباره آنها نیازمند وقت و فرصت فراوانی است ، بیش از سه هزار نسخه کتاب و رساله تألیف کرده و شخصیتی با این ویژگی ، براستی شایسته تجلیل و بزرگداشت است و از مفاخر و ذخایر گرانبهای ملت مسلمان تواند بود.

خلاصه سخن آنکه تشیع جابر و پیشرو بودن او در بسیاری از علوم بویژه کلام، فلسفه، پزشکی ، شیمی و طبیعی از واضحات و بدیهیات است و بدون تردید نظرات او پایه های اساسی دانش شیمی است و این نیست جز آنکه جابر علم شیمی را از منبع و سرچشمه اصلی آن یعنی امام صادق (ع) فرا گرفته است.

دانشهای دیگر

مقصود ما از علوم و دانشهائی که به برخی آنها اشاره کرده و توضیح دادیم که مردم آنها را از امام صادق (ع) آموخته اند آن نیست که علوم و دانشهای حضرتش منحصر به همانها بوده است، بلکه امام به عقیده شیعه امامیه همه چیز را باید بداند و داناترین مردم در همه علوم و فنون و زبان و لغت باشد و این حکم عقل است .



و اگر به دلیل نقلی نظر افکنیم بی آنکه مسأله امامت و رهبری الهی را برای امام اثبات نمائیم، به این نتیجه می‌رسیم که در هر عصری در میان عترت، دانای به کتاب و سنت وجود داشته و دارد، و این مفاد حدیث ثقلین است. و نیز می‌فهمیم دانای به کتابی که خود بیان و توضیح همه چیز است (تبیاناً لكل شیء) باید به همه چیز عالم و دانا باشد، مادامی که این کتاب وجود دارد و در میان بشر است. پس وجود عالم و دانشمندی از اهل بیت و عترت پیامبر تا روز قیامت قطعی و مسلم است و در عصر مورد بحث، این عالم و دانشمند چه کسی جز امام صادق (ع) بوده است؟

بنابراین در زمان آن حضرت در میان اهل بیت کسی داناتر از او نبوده و آثار علمی بر جای مانده از امام، بهترین شاهد است.

پس صادق آل محمد (ع) عالم اهل بیت در عصر خویش و دانای به کتاب و جامع علوم و فنون گوناگون بوده است و لذا از ذکر بقیه دانشهائی که امام می‌دانسته و شواهد فراوانی که در این زمینه داریم، صرف نظر می‌کنیم و از نظر ما؛ هیچ جای تعجب نیست که امام صادق (ع) با اهل هر لغت و زبانی به زبان آنان صحبت می‌کرد؛ مثلاً با فارسی زبان، فارسی صحبت می‌فرموده و با اهل هر علم و فنی با اصطلاح خودشان بحث می‌کرده است، مانند بحثهائی که امام با ستاره شناسان و علمای نجوم و طبیعی و پزشکی و غیر اینها انجام داده که همه اینها طی احادیث و روایاتی به دست ما رسیده است.

پی نوشتها:

۱-

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۵.

۳- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۵.

۴- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۵.

۵- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۵.



۶- البقره / ۲۶۹.

۷- بحار الانوار ، ج ۲ ، ص ۸۲.

۸- اشاره به آیه ۸۹ از سوره النحل، است : «و نزلنا عليك الكتاب تبينا لكل شيء»

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۹، حدیث پنجم.

۱۰- بحار الانوار ، ج ۱، ص ۲۱۵، حدیث ۲۱.

۱۱- اصول کافی ، ج ۱، ص ۲۶، حدیث ۲۹.

۱۲- در این زمینه نگاه کنید به کتاب «اطعمه و

اشربه» از وسائل الشیعه ، ج ۱۷، طبع جدید

«مترجم».

۱۳- مراجعه کنید به تاریخ ابن خلکان (وفیات

الاعیان، ج ۱، ص ۳۲۷) چاپ دارالثقافه بیروت.

۱۴- نگاه کنید به صفحات ۴۹۸ و ۵۰۳، آن کتاب.

۱۵- ج ۲، ص ۴۹۱ طبع دارالاضواء بیروت.

۱۶- شماره ۶۸ : صفحات ۵۵۱ - ۵۴۴ و ۶۱۷ -

۶۲۵ آن مجله.

۱۷- نگاه کنید به صفحات ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ و

۱۲۳۵ تا ۱۲۳۷ و ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۰ و ۱۲۹۹ تا

۱۳۰۲.

۱۸- همان مجله ، ص ۱۲۹۹.

منبع: <https://www.menbarha.ir>

